ساروج، صهروج

طاهر، غلامرضا

سپس مقداری نمک در آن می‏انداختند تا آب بدبو و فاسد نشود.اگر کسی در آب‏انبار زمین می‏خورد و بدنش ضربه‏ای می‏دید برای بهبود خود چند شمع آنجا روشن می‏کرد. اسامی این آب‏انبارها عبارتند از:

1-آب‏انبار-نو 2-آب‏انبار میرزا مهدی 3-آب‏انبار جنب امام‏زاده‏ عبد الله 4-آب‏انبار چنارین 5-آب‏انبار میر مشهد 6-آب‏انبار بهرام‏آتر 7-آب‏انبار مقابل امام‏زاده یحیی.

از این هفت آب‏انبار امام‏زاده عبد الله و میر مشهد را خراب کردند و روی آن‏ ساختمان دو طبقه و کتابخانه ساختند.

احمد داداشی(ساری)

\*\*\*

ساروج،صهروج

موضوع ساروج که آقایان دکتر منوچهر ستوده و مهندس حبیب معروف دربارهء آن‏ دو مقاله نوشتند موجب شد که مجلهء آینده اظهاری دربارهء ساروج و صهروج کرد. ولی به نظر آقای دکتر احمد تفصلی مطلب قابل دقت و تحقیق بیشتر بود.پس از آقای غلامرضا طاهر خواسته شد که با تعمق در لغتنامه‏های عربی موضوع را بشکافند.

آینده

در جمهرهء ابن درید آمده:ص ربع:اهملت الا فی قولهم صرجت الحوض اذا ملطته بالطین او الصاروج الجیار و هو معروف(ج 2 ص 78)یعنی ماده ص‏رج در زبان‏ عربی مورد استفاده قرار نگرفته مگر در قول ایشان که می‏گویند«صرجت الحوض» یعنی حوض را با صاروج آهک‏دار اندودم و این معروف است.

در لسان العرب آمده:این سیده:الصهریج:مصنعة یجتمع فیها الماء،واصله‏ فارسی،و هو الصهری،علی البدل.و صهرج الحوض طلاه،...و حوض صهارج:مطلی‏ بالساروج.

در قاموس فیروزآبادی آمده:الصاروج:النوره و اخلاطها معرب،و صرج‏ الحوض تصریجا.

در تاج العروس همان مطلب لسان العرب آمده بدون چیزی اضافی.

در قانون ادب آمده:الصهریج:حوض بزرگ(ج 1 ص 362).در المرقاه آمده: «الصهریج:حوض بزرگ».

ادی شیر گفته:الصاروج:النورة و اخلاطها معرب سارو.و الشاروق لغة فیه.

و قالوافیها صرج و شرق و منه مأخوذ ایضا(الصهریج)و الصهارج و الهری‏ لغتان فیه و هو حوض یجتمع فیه الماء و سمی صهریجا لانه معمول بالصاروج.و قالوا فیه صهریج و تصهرج و منه«سارنج»بالترکیه و الکردیه.(ص 107)

امام شوشتری گفته:صاروج:آهک و گل رس و خاکستر که در قدیم بجای سیمان مصرف می‏شد.شکل فارسی این لغت«چاروک»است.در خوزستان بجای لفظ ساروج که در تهران رایج است این کلمه را«چارو»تلفظ می‏کنند(ص 424،فرهنگ‏ واژه‏های فارسی در زبان عربی).

در فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی آمده:صهریج،ج صهاریج: مخزن و حوض آب،ساروج

در المنجد آمده:الصاروج:الکلس و اخلاطه(فارسیه).با توجه به آنچه ذکر شد و با در نظر گرفتن گفتهء ابن درید که مادهء ص‏رج در زبان عربی مهمل است ظاهرا شکی باقی نمی‏ماند که این کلمه از فارسی مأخوذ است.

از آنچه آقای دکتر مشکور نقل کرده‏اند معلوم می‏شود که در زبان سریانی هم‏ صهریج یا صهریگ به معنی حوض آمده است.حالا آیا سریانیها از فارسی گرفته یا برعکس احتیاج به جستجوی دیگری دارد.اما آنچه آقای دکتر مشکور از یونانی نقل‏ کرده‏اند یعنی Lexicon surgz یونانی به انگلیسی به صورت یونانی آن آمده که‏ Surinks,Surinx تلفظ می‏شود و چند معنی دارد از جمله نی چوپان.سوراخ‏ میان چرخ که محور در آن قرار دارد.گالری،معدن که هیچ‏یک ظاهرا با حوض رابطهء محکم ندارد صورت کلمه هم یعنی سورینکس با صهریج شباهت زیاد ندارد.

بهر جهت کلمهء صاروج و صهریج در زبان عربی اصیل و عریق نیست.این‏ است آنچه با اطلاعات محدود بنده و کتب در دسترس که البته بسیار کم است می‏توان‏ استنباط کرد.

غلامرضا طاهر

\*\*\* آینده-مناسب دانست متن بعضی مآخذ را هم در زیل یادداشت آقای طاهر نقل نماید.

الصاروج النورة و اخلاطها التی تصرج بها الحیاض و الحمامات یقال صرجت‏ الحوض اذا طلیته بالطین و الصاروج فارسی معرب،ص 213.

حاشیهء همان صفحه از المعرب

فی اللسان عن ابن سیده:«و هو بالفارسیه جاروف عرب فقیل صاروج و ربما قیل‏ شاروق و صرجها به:طلاها،و ربما قالوا شرقه.

و اما ابن درید فقال 2:78 ج‏رص اهملت الا فی قولهم صرجت الحوض اذا ملطته بالطین او الصاروج:الجیار و هو معروف.

عبارة الجمهره 3:392«و حوض صهارج مطلی بالصاروج»و کذلک فی اللسان.

(حاشیهء المعرب)